

احداث مجتمع بزرگ در کوچه فرعی جوادیه برای اهالی دردرساز شده است

ساخت و ساز یا همسایه آزاری؟

هم قدم

روی دیوار پشت بام مردم بسته شده است. علاوه بر این کارشناس باید بیاید داخل خانه را ببیند. چطور داخل نیامده و تشخیص داده است که روی ایوان خانه مادر بست وجود ندارد؟!

●● اعمال قانون مالکان متخلف

رئیس اداره نظارت بر ساخت و سازهای شهرداری منطقه ثامن در این باره می گوید: ملک هایی که داربستان را در فضای حریم همسایه مجاور نصب می کنند، معمولاً بر اساس توافق بین همسایگان این کار را انجام می دهند.

مهدی عباسی ادامه می دهد: در صورت رضایت نداشتن همسایه، رسیدگی به موضوعات اختلافی در صلاحیت شهرداری نیست و می بایست از طریق مراجع قضایی و شورای حل اختلاف پیگیری شود. وی با تأکید بر اینکه برابر مبحث ۱۲ مقررات ملی ساختمان و ضوابط شهرسازی، تأمین ایمنی کارگاه و بافت های پیرامونی بر عهده مالک و ذی نفعان پروژه است، می افزاید: شهرداری برابر تکالیف قانونی و اختیارات نظارتی، ضمن بازدید مستمر از محل پروژه، اخطارهای تأمین ایمنی و رفع خطر را به مالکان ابلاغ می کند که برای این پروژه نیز اخطارهای تأمین ایمنی به مسئولان ابلاغ شده است.

عباسی ادامه می دهد: علاوه بر پایش و نظارت مستمر توسط اکیپ های گشتی اداره نظارت بر ساخت و سازهای منطقه ثامن، در صورت دریافت هرگونه گزارش از سوی مهندسان ناظر پروژه مبنی بر وجود نواقص فنی و ایمنی، برابر ضوابط فوراً ضمن ابلاغ مکاتبه مهندس ناظر به مسئولان پروژه، برای اعمال قانون تازمان رفع نواقص یاد شده اقدام می شود.

تماس گرفته و از روندی که مالک این مجموعه در پیش گرفته، گلایه کرده است. او می گوید: این مجتمعی که می سازند، این قدر بزرگ است که با چندین خانه دیوار به دیوار شده است. مالک آن هم حقوق مردم را رعایت نمی کند و هر طور دلش بخواهد رفتار می کند. من چند بار با شهرداری و ۱۳۷ تماس گرفته ام و گفته ام که مالک تخلف می کند.

او داربست های روی پشت بام خانه اش را نشان می دهد که از داخل کوچه هم به خوبی دیده می شوند. می گوید: خیلی واضح است که اسکلت این مجتمع به دیوار همسایه ها تکیه دارد. بخش هایی از آن سوار خانه مردم شده و دیوار را تصاحب کرده است. داربست هایش هم روی پشت بام خانه ماست. حتی روی ایوان خانه مان هم داربست زده اند.

زرگران ادامه می دهد: وقتی با شهرداری تماس گرفتیم، گفتند کارشناس ما آمده و از بیرون نگاه کرده و گفته است که مشکلی وجود ندارد. در حالی که از بیرون هم مشخص است که داربست های این خانه

نجمه موسوی کا هانی اساخت و ساز برج ها و آپارتمان های بزرگ در کوچه های قدیمی به اندازه کافی برای اهالی مزاحمت دارد. اما اگر سازه های ملاحظه همسایه ها را نکند و حقشان را پایمال کند، این مزاحمت دو چندان و گاهی منجر به درگیری می شود. یکی از این ساخت و سازهای دردرساز در کوچه شهید عطایی ۵ و یکی از فرعی های کوچه جوادیه است که به گفته اهالی بیش از پنج سال علاوه بر اینکه نمای محله را خراب کرده است و کلی گرد و خاک به خورد اهالی می دهد، رسم همسایه داری را رعایت نمی کند و داربست هایش را هم در حریم خانه همسایه ها برپا می کند.

●● ساخت و سازی که تمام نمی شود

نیش کوچه شهید عطایی ۵ خانه ای بانمای آجری قدیمی است که عرض کمی دارد و پس از آن هم خانه نوسازتری قرار دارد که با نمای سنگ، یادگار خانه های دهه ۶۰ است. بعد از این دو خانه تا کوچه شهید عطایی ۷ اسکلت یک ساختمان بزرگ قرار دارد که همه کوچه را تا انتها پر کرده است. آهن های طبقات بالایی اش حتی از پشت دو خانه سر نیش پیدا است. همسایه روبرو به رویی این مجتمع نیمه سازی می گوید: ساخت و ساز این مجموعه سروصدای زیادی ندارد. چون یک روز هستند و ۱۰ روز نیستند.

محمد رحیم دل ادامه می دهد: گرد و خاکش نصیب همه همسایه های می شود. اما بیشتر مزاحمتش برای همسایه های کنارش است.

●● داربست، روی ایوان

محمد زرگران همسایه ای است که بارها با شهرداری



نخودفروش خیابان وحدت، برای شروع کارش، انگیزه ای بیشتر از درآمد داشت

به دنبال برکت مال حلال



راه تجربه



می کردم که مال حلال خرید و فروش کنم. اما پیش می آمد که مثلاً رفیق می گفت ضایعات دارم، بیابخر، اعتماد می کردم و می خریدم و با سود خوبی هم می فروختم، اما بعد می فهمیدم بین آن ها مال دزدی بوده است. خیلی برایم سخت بود. هر چه می خواستم درآمد صاف باشد و مال غش دار با آن قاتی نشود، نمی شد.

حساسیت محقق درباره مالی که وارد زندگی اش می شد و سه فرزندش را با آن بزرگ می کرد، روز به روز بیشتر شد. چون معتقد بود که تربیت درست فرزند با روزی حلال ارتباط مستقیم دارد. او حتی استحکام زندگی زناشویی اش را وابسته به نانی می دانست که به خانه می برد: اگر مردی نان حلال به خانه نبرد، هم به خودش ظلم کرده است و هم به زن و بچه اش.

این قدر این موضوع اشکان را آزار می داد که دوستانش مشاغل گوناگونی را به او پیشنهاد دادند: حد و حد پنج سال پیش همراه یکی از دوستان به گلشهر رفته و اولین بار غذایی خوردم به نام شورنخود. آن زمان به فکر تغییر شغل بودم و با دقت غذا را مزه کردم. از آنجا که در آشپزی و سوزن دوزی دستی بر آتش دارم، برایم جالب شد که به این کار مشغول شوم. یکی دو دفعه دیگر به گلشهر رفته و بعد با کنجکاوی طرز پختش را پرسیدم.

●● کنار آدم های بزرگ، رشد می کنی

شاید طرز پخت دقیق را به او نگفته بودند یا شاید او ذائقه اش طعمی متفاوت را می پسندید. در هر صورت، دستور پخت متفاوتی

رحمانی / موسوی یک زودپز، چند دیگ بزرگ و کوکچک، یک یخچال قدیمی و دو نیمکتی که از مهمانانش روی آن ها پزیرایی می کند، همه چیزی است که اشکان محقق برای کسب درآمد مهیا کرده است. دوسالی می شود که کاسبی اش را در محله پایین خیابان راه انداخته است. با فروش یک غذای محلی افغانستانی که اولین بار در گلشهر چشید و احساس کرد می تواند زندگی اش را با آن متحول کند: نخود شور و باقالی پخته. درآمد چشمگیری ندارد، اما برای آقا اشکان برکتی دارد که در شغل قبلی اش ندیده بود. آن طور که خودش نقل می کند: تا دو سال پیش در کار خرید و فروش ضایعات بود. با درآمد خوب و زحمت کم، اما برکتی که دنبال آن بود، به زندگی اش نمی آمد. نیت کسب روزی حلال، توکل به خدا و مردم داری سه ترفندی است که برای شروع کار جدیدش در پیش گرفته است.

●● به آشپزی علاقه داشتیم

آرام و کم حرف است و پیش از گفتن هر جمله تأمل می کند تا بهترین کلمات را در وصف حال این روزهایش بیان کند. ملاقه اش را برمی دارد، نخود ها را یک دور در قابلمه می چرخاند و می گوید: نخود سس را از خاصیت است. غذایی دست مردم می دهم که خدا پدریامری دارد. همین کافی نیست؟ پیش از این در کار ضایعات بودم. درآمدش خوب بود، ولی صاف نبود.

صاف نبودن مال از نگاه آدم های مختلف، متفاوت است. آقا اشکان درباره کسب و کار قبلی اش این طور توضیح می دهد: خیلی دقت

را آزمایش کرد و وقتی به طعم مطلوبش رسید، کار را شروع کرد: پس از تحقیق متوجه شدم این غذای مخصوص آسیای میانه است؛ غذایی پر خاصیت و مغذی که مردم افغانستان ارزش آن را خوب می دانند. با مشورت دیگران به خیابان وحدت آمدم؛ جایی که هم مردمش هوای کسبه محل را دارند و هم در کنار یک آب میوه فروشی و بستنی فروشی مشتری فراوان است.

همسایه داری ساکنان وحدت ۱۱ برای محقق جالب است و می گوید: کنار آدم های بزرگ، آدم رشد می کند. مردم این خیابان قدیمی هایی هستند که هم بستگی دارند و هوای همه را دارند.

دوباره می رود سراغ دیگ نخود شور و می گوید: باید به آن بالاسری وصل باشی تا خودش همه کارها را ردیف کند. با درآمد کمی که اینجا دارم، کارهایی کرده ام که با درآمد خوب خرید و فروش ضایعات نمی توانستم انجام دهم. با آبرومندی به دخترم جهاز و سیسمونی دادم و از برکت مال زحمت کشی، داماد خوبی هم گیرم آمده است.

خیلی محکم می گوید: باید به این باور برسی که روزی حلال برکت دارد. بالاسری خودش هواردارد و هیچ وقت نمی گذارد لنگ بمانی. الان به مال غش دار حتی نگاه هم نمی کنم.